

نادیده گرفت؛ بازیگری که در مجموعه «آقای قاضی» هم بسیار درجه یک ظاهر شده.

جذابیت فیلمنامه

یکی از نکات مهم درباره «پوست شیر» درست و دقیق بودن اجزای فیلمنامه است. بعد از یک افتتاحیه پر قدرت، در قسمت دوم با مرگ دختر شخصیت محوری مواجه می‌شویم؛ دختری که نعیم پانزده سال تمام در زندان روز و شبش را با خاطرات او گذرانده و درست زمانی که به او می‌رسد و دارد کم‌کم طعم خوش پدری کردن را می‌چشد، دخترش را از دست می‌دهد. او از یک طرف عزادار دختر می‌شود و از طرف دیگر باید پاسخی برای همسر سابقش داشته باشد و بهانه‌ای برای زندگی پیدا کند. ماجرای قتل دختر نعیم به قتل‌های زنجیره‌ای در گذشته پیوند می‌خورد و پای سرگرد محب را که خودش دخترش را به همین ترتیب از دست داده به پرونده باز می‌کند. و ورود پلیس همراه می‌شود با سرسرخ‌هایی درباره تجاوز به دختر و نهایتاً عصیانگری نعیم. او که بعد از دیدن ویدئوی تجاوز توانش را از دست می‌دهد و جز انتقام به هیچ چیز فکر نمی‌کند، پلیس را دور می‌زند و وارد میدان می‌شود تا به شیوه خودش دنبال قاتل بگردد. نکته جالب اینجاست که در هر مرحله پلیس یک قدم عقب‌تر از نعیم قرار می‌گیرد. با بالا رفتن اختلاف میان لیلا و همسرش و آواره شدن او، قطعه دیگری از ماجرا چیده می‌شود و حالا ذهن‌ها ناگزیر به این سمت می‌روند که از میان گزینه‌های موجود، چه کسی می‌تواند بدخواه نعیم باشد؟ این التهاب و نگرانی مدام و معمایی که در ذهن‌ها وجود دارد «پوست شیر» را کاملاً به یک اثر پر هیجان و جذاب بدل می‌کند. در حال حاضر «پوست شیر» موفق‌ترین سریال شبکه نمایش خانگی است و مخاطبان بسیاری آن را دنبال می‌کنند. باید دید آیا تا پایان سریال، استقبال از آن تا همین حد باقی می‌ماند یا وضعیت به سمت وسوی دیگری خواهد رفت.



در پوست شیر ژیل‌شاهی بازیگر نقش مؤگان هم یکی از بهترین بازی‌هایش را به نمایش گذاشت. شاهی اولین بار با فیلم «جاده قدیم» رضا میرکریمی دیده شد و مورد تحسین قرار گرفت، بعد از آن با بازی در «موقعیت مهدی» قدم موثر دیگری در کارنامه بازیگری‌اش برداشت و حالا با مؤگان به خوبی از پس نقش زنی تنها و هراسان از آینده‌ای تاریک که حاضر است برای به دست آوردن امنیت دست به هر کاری بزند بر بیاید

روانه پلنفرم‌های فیلمو و نماوا کرده. سریال شروع خوبی داشت و زوج نوید محمدزاده و احمد مهران فر به عنوان دو بازیگر آس و پاس و بی پول عشق تئاتر توانستند با ماجراهای شیرین‌شان توجه‌ها را جلب کنند. این دو شخصیت در همین نقطه شروع به عنوان دو بازیگر معرفی می‌شوند که از حرفه‌شان به شکلی متفاوت برای کسب درآمد استفاده می‌کنند. آنها حاضرند هر کاری کنند تا سالن نمایشی که برای خودشان آماده کرده‌اند از دستشان نرود. خانه و سرپناهی ندارند و مدام نقشه می‌کشند که چطور پولی برای ادامه زندگی فراهم کنند. علاوه بر بازی دو شخصیت اصلی، استفاده مناسب از فضای تئاتر و گرم‌های جذاب و موقعیت‌های بازمه، از جمله نکات مثبت این سریال در نقطه شروع بود.

پوست شیر - جمشید محمودی

برادران محمودی ۹ سال پیش با اولین فیلم‌شان «چند متر مکعب عشق» به میدان آمدند؛ عاشقانه‌ای جذاب در دل سیاهی و تیرگی زندگی مهاجران افغان که با پایانی تلخش مخاطبان را شوکه می‌کرد. فیلم با تحسین زیادی همراه شد و برادران جمشیدی به همین ترتیب شناخته شدند. بعد از آن چهار فیلم دیگر با همکاری هم ساختند که همه‌شان جز چند اپیزود از «هفت و نیم»، روی مشکلات و سختی‌های زندگی افغان‌ها در ایران تمرکز داشت. در این مدت دو سریال تلویزیونی به نام‌های «سایه‌بان» و «دلدار» ساختند که درباره مشکلات زندگی جوانان ایرانی بود. سریال‌هایی با سوژه‌هایی قابل قبول که به سرانجام خوشی نرسیده بودند و موفقیتی در پی نداشتند. «پوست شیر» اولین تجربه برادران محمودی در ساخت سریال است و می‌توان گفت موفق‌ترین اثر آنها.

شرایط شروع سریال

«پوست شیر» در شرایطی به میدان آمد که شبکه نمایش خانگی سریال قابل قبول چندانی نداشت. با اینکه بستتر مناسب بود اما به خاطر فیلتر اینستاگرام و شرایط جامعه، امکان تبلیغات زیادی نداشت و از این جهت بخش مهمی از مخاطبان خیلی دیر سراغش رفتند و تازه بعد از چند قسمت متوجه حضورش شدند. قسمت اول سریال «پوست شیر» طوری طراحی شده بود که تکلیف مخاطب را تا انتها روشن می‌کرد و کسی نمی‌توانست آن را ببیند و سراغ تماشای مابقی آن نرود. سوژه‌ی ملتهب، معرفی شخصیت نعیم با بازی در خشان هادی حجازی فر، صحنه‌های احساسی عاطفی پدر و دختر در کنار هم و شوکی ناگهانی که یک مرتبه مثل پتکی توی سرها فرود می‌آید؛ یک مقدمه چینی درست و دقیق برای سلسله اتفاق‌هایی که قرار بود بعدتر رقم بخورد.

انتخاب‌های دقیق بازیگران

بخش مهمی از جذابیت سریال روی دوش هادی حجازی فر و علیرضا کمالی است.

